



عباس خامه یار، تحلیلگر امور خاورمیانه مواضع کشورهای عربی در جنگ ۱۲ روزه را تحلیل کرد

تهدید اسرائیل؛ دغدغه مشترک منطقه است

تغییر رویکرد کشورهای غرب آسیا نسبت به ایران نه تاکتیکی بلکه راهبردی است

سیاست خارجی

رضا عدالتی پور، گروه دیپلماسی/ در جریان جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل، بسیاری از کشورهای منطقه به ویژه دولت های عربی، موضعی بی سابقه و همسو با ایران اتخاذ کردند؛ عباس خامه یار کارشناس مسائل غرب آسیا در گفت وگو با «ایران» اتخاذ این مواضع را نه تاکتیکی و مصلحتی، بلکه ادامه رویکرد راهبردی یک ساله این کشورها در مواجهه با تحولات امنیتی منطقه می داند. او معتقد است این تغییر جهت ناشی از درک فزاینده کشورهای منطقه از تهدید وجودی اسرائیل نسبت به تمامیت ارضی شان و باور به ضرورت همکاری برای مقابله با پروژه های تجزیه و تسلطه در غرب آسیاست.

پیش از این، چنین موضعی نداشتند. ایران در دمشق و شهادت شهید هنیه و شهید نصرالله و پاسخ متقابل ایران که با عنوان وعده صادق یک و وعده صادق دو شناخته می شود، عنوان کرد. به عبارتی از سال گذشته شاهد تغییر رویکرد کشورهای عربی، ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس و مخصوصاً عربستان سعودی در این زمینه بودیم. این کشورها مواضع قوی اتخاذ کردند و اقدامات اسرائیل را بشدت محکوم کردند؛ در حالی که در سطح رسمی، سعودی ها و دیگر

کشورهای منطقه، در جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل به صورت اعلامی حمایت صریحی از ایران داشتند؛ در حالی که در سال های گذشته مواضع دویپلو و بینابین از این کشورها شاهد بودیم. این تغییر موضع از چه زمانی آغاز شد و چه کستره ای داشت؟

نقطه آغاز این تغییر مواضع را برای اولین بار باید در همان ابتدای حوادث اخیر و حتی پیش از آن، یعنی از زمان

کشورهای حوزه خلیج فارس نیز مواضع محکمی اتخاذ کردند و در حمله اخیر، محکومیت اسرائیل به وضوح بیان شد. البته پس از حمله ایران به پایگاه العدید، این کشورها به بهانه حمایت از قطر و با استناد به اینکه این حمله به یک کشور عربی و عضو شورای همکاری خلیج فارس صورت گرفته، براساس پروتکل های موجود، اقدام ایران را محکوم کردند.

با این حال، مجدداً به موضع قبلی خود بازگشتند و اکنون در سطح رسمی شاهد هستیم که عمده کشورهای عربی و منطقه، تجاوز اسرائیل را محکوم می کنند. این محکومیت حتی شامل کشورهایی می شود که موشک های ایران از آسمان آنها عبور کرد و آنها نیز اسرائیل را محکوم کردند. در مجموع، هم در سطح داخلی و جنبش های مردمی، حمایت از ایران مشاهده شد.

این اعلام مواضع چه ماهیتی دارد؟ آیا مواضع اتخاذ شده صرفاً یک اقدام ساده یا تاکتیکی در چهارچوب عرف دیپلماتیک و روابط همسایگی است، یا اینکه کشورهای منطقه براساس ملاحظات استراتژیک خود این مواضع را اعلام کرده اند؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت ما با مجموعه ای از عوامل روبه رو هستیم که باید همه آنها را در نظر گرفت. اولاً، اسرائیل در افکار عمومی جهان عرب و جهان اسلام چهره ای بسیار منفی از خود به جا گذاشته است، بویژه پس از جایت ها و نسل کشی هایی که علیه فلسطینی ها انجام داده است. این موضوع باعث شده که اسرائیل در جهان عرب و اسلام و حتی در سطح ملت های جهان جایگاهی نداشته باشد. این تنفر عمومی فشار زیادی بر حکومت های منطقه وارد می کند تا در این زمینه بی تفاوت نباشند و تا زمانی که قتلنامه غالب افکار عمومی احترام بگذارند. نکته دوم این است که پس از حوادث سوریه و ناپودی زیرساخت های نظامی، اقتصادی و اجتماعی این کشور به واسطه بمباران جنگنده های اسرائیلی و اشغال بخش هایی از سوریه، بویژه بلندی های جولان که مناطق استراتژیک هستند، سپر دفاعی احتمالی امت عرب از بین رفته است. اسرائیل این سپر دفاعی را نابود کرده و این خطر جدی برای کشورهای عربی محسوب می شود. پیش از آن نیز ارتش مصر به دلایل مختلف از کار افتاد و ارتش عراق توسط آمریکا تصفیه و منحل شد که نتیجه آن ظهور گروه های تکفیری بود.

به طور کلی از بین بردن ارتش های عرب که تحت عنوان جنگ نسل سوم شناخته می شود در دستور کار اسرائیل است و این موضوع بنیه دفاعی کشورهای عربی را بشدت تضعیف کرده است. حملات و برزخ های اخیر این احساس خطر را برای کشورهای عربی دوچندان کرده است. نکته سوم اینکه آمریکایی ها و اسرائیلی ها از تغییر چهره خاورمیانه صحبت می کنند؛ یعنی همان «خاورمیانه جدید» یا

«خاورمیانه بزرگ» که خانم رایس، وزیر خارجه وقت آمریکا در سال ۲۰۰۶ در بیروت اعلام کرد. او این تغییر را «درد زایمان خاورمیانه» توصیف کرد که در واقع ادامه پروژه سایکس-پیکو و تجزیه مجدد جهان اسلام است. این موضوع به معنای ادامه پروژه صهیونیستی در منطقه است؛ یعنی پروژه ای که از نیل تا فرات را دربرمی گیرد و امروز فراتر از فرات نیز مطرح شده است.

با این وضعیت، کشورهای عربی تمامیت ارضی خود را تهدید شده می بینند و تازه به این هشجاری رسیده اند که ایران و قدرت نظامی ایران است که در برابر این زیاده خواهی ها ایستادگی کرده و خواهد کرد. براین اساس، طبیعتاً باید همراه و همگام باشند یا حداقل این محکومیت ها را به نحوی اعمال کنند.

کل جریان موضع گیری ها بر اساس این تحلیل است و بعد است که این کشورها از مواضع خود عقب نشینی کنند؛ اگرچه ممکن است فشارهایی بر آنها وارد شود، اما به نظر من این برخورد ها تاکتیکی نیست و کاملاً موضع گیری های راهبردی است.

نشانه های حرکت به سمت تجزیه منطقه در کشورهای عربی از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی چیست؟ پیام نتانیاهو به ترامپ مبنی بر اینکه با هم خاورمیانه را تغییر خواهند داد، به معنای آن است که «پروژه استعماری بازتجزیه منطقه غرب آسیا» به صورت مستمر در دستور کار آمریکایی ها و اسرائیل قرار دارد و مرز نخواهد شناخت و یک تهدید بزرگ برای کشورهای عربی محسوب می شود. برای تشریح بهتر وضعیت جاری منطقه ذکر این روایت جالب توجه است که در خاطرات ژنرال سعدالدین شاذلی، رئیس ستاد مشترک ارتش مصر در جنگ ۱۹۷۳ که به جنگ رمضان معروف است، آمده که او در ایام جنگ مرتباً از سوری ها درباره وضعیت جبل الشیخ (بلندی های جولان) سؤال می کرد و پاسخ می شد که این منطقه در امنیت است و مشکلی ندارد، که نفس راحتی می کشید. این ژنرال بزرگ ارتش مصر استدلال می کرد که اگر این منطقه توسط اسرائیل سقوط کند، نه فقط دمشق بلکه بغداد نیز در آستانه سقوط قرار خواهد گرفت. امروز جبل الشیخ در اختیار اسرائیلی هاست و نتانیاهو وقتی می خواهد کارنامه خود و دستاوردهای دوره نخست وزیری اش را ارائه کند، اولین مسأله ای که به آن اشاره می کند، تصرف جبل الشیخ است. نکته اینجا است که نقشه تجزیه منطقه یک بحث کاملاً جدی است و یک تاکتیک نیست در ضمن طرف مقابل هم عجله ای برای پیشبرد نقشه خود ندارد؛ بلکه گام به گام به این سمت پیش می روند.

بر اساس صحبت های شما به نظر می رسد منطقه به این باور رسیده است به طور مشخص ترکیه، عربستان، مصر این تهدید را احساس کرده اند، در

مقام عمل، فکری کنید این کشورها چگونه قرار است در این عرصه نقش آفرینی کنند؟

طبیعتاً نمی توان انتظار داشت که همکاری نظامی جدی با ایران شکل بگیرد یا صفت بندی و جبهه نظامی بین ترکیه، مصر، ایران، عربستان و یک سو و اسرائیل در سوی دیگر ایجاد شود، اما از منظر سیاسی کمک هایی ارائه می شود. باید توجه داشت که موضوع امنیت و قدرت دفاعی برای ما درون زا است. اما به هر حال تهدید اسرائیل و تجزیه، تهدیدی وجودی برای منطقه است و همین رو، آغاز پروژه شان را از ایران قرار دادند تا در نهایت به نظم جهانی مطلوب خود برسند.

کشورهای منطقه چه ظرفیت هایی برای برهم زدن این نقشه دارند؟ جریان مقاومت ظرفیت های بزرگی در اختیار دارد که اگر همپوشانی درستی میان آنها ایجاد شود، می تواند طراحی های دشمن را به طور جدی به چالش بکشد. نمونه روشن آن، ایستادگی ملت فلسطین است. با وجود جمعیت و امکانات محدود، بیش از ۲۰ ماه است که در برابر پیشرفت های ماشین جنگی منطقه مقاومت کرده اند و علی رغم حمایت های گسترده، همچنان پایرجا هستند.

فلسطین امروز در افکار عمومی جهانی به مسأله ای فراملی، فرادینی، فراسرزمینی و حتی فرامذهبی تبدیل شده است و توانسته گفتمان مقاومت را جهانی کند؛ این دستاورد کوچکی نیست. افزون براین، ظرفیت های دیگر منطقه از جمله پاکستان، ترکیه و به ویژه ایران در حوزه های مختلف از جمله توان نظامی و نفوذ مردمی قابل توجه است. البته باید تأکید کنم که صرفاً احساسات و فطرت قافی نیست؛ کشورهای عربی که اخیراً در مواضع خود به حمایت از ایران نزدیک شده اند، اگر این احساس خطر را به کنش فعال تبدیل کنند، می توانند در برهم زدن معادلات فعلی نقش آفرینی مؤثری داشته باشند. نقش قوی ترین عامل در سست کردن اقتصاد آمریکا و بسیاری از کشورهای غربی در همین منطقه نفت خیز ریشه دارد. نکته مهم در این میان، پیوند و همکاری ظرفیت های منطقه ای است. در سال های گذشته، مقاومت موفق شد با ایجاد وحدت میدانی و هماهنگی میان بازیگران مختلف، سد محکمی در برابر پروژه های تجزیه ایجاد کند. به عنوان نمونه، سپهد قاسم سلیمانی را باید یکی از عناصر کلیدی در زمین گیر کردن پروژه های دانست که من از آن به عنوان «بولدورز تجزیه» یاد می کنم؛ این پروژه از جنوب سودان آغاز شد، به کردستان عراق رسید و سپس به حلب گسترش یافت.

همه این نقاط بر اساس طراحی دشمنان باید تجزیه می شدند، اما حاج قاسم با تمام ظرفیت خود، آن را متوقف کرد. اگر یک فرد بتواند با چنین قدرتی جلوی این روند را بگیرد، قطعاً هم افزایی قدرت های منطقه ای نیز می تواند همین مسیر را ادامه دهد.

برخی محافل علمی سال هاست این گزاره را دنبال می کنند که ایالات متحده همواره به دنبال حفظ نوعی موازنه قدرت در منطقه غرب آسیاست؛ اما بر اساس روندی که شما ترسیم کردید، به نظر می رسد اسرائیل با چراغ سبز آمریکا به دنبال تبدیل شدن به قدرت مطلق در منطقه است. آیا این روند به معنای تغییر در دکترین آمریکا است؟

ترامپ جمله ای داشت که دقیقاً گویای رویکرد آمریکایی هاست؛ او می گفت: «من تعجب می کنم که اسرائیل

چطور می تواند در چنین سرزمین تنگی حکومت کند، این سرزمین باید بزرگ تر شود». تمام ادبیات و مواضع آنان در سال های اخیر، ناظر به پروژه «تغییر و تجزیه» است؛ همان خاورمیانه جدید یا به تعبیر دیگر، «غرب آسیای نوین». این پروژه، آینده منطقه را تعیین می کند. صرف نظر از اینکه منطقه آیا به سمت نظم تک قطبی، دوقطبی یا چندقطبی حرکت خواهد کرد. به نظر من، آمریکایی ها و صهیونیست ها به خوبی اهمیت این منطقه و ظرفیت های بالفعل و بالقوه قدرت های آن را درک کرده اند و از همین رو، آغاز پروژه شان را از ایران قرار دادند تا در نهایت به نظم جهانی مطلوب خود برسند.

کشورهای منطقه چه ظرفیت هایی برای برهم زدن این نقشه دارند؟ جریان مقاومت ظرفیت های بزرگی در اختیار دارد که اگر همپوشانی درستی میان آنها ایجاد شود، می تواند طراحی های دشمن را به طور جدی به چالش بکشد. نمونه روشن آن، ایستادگی ملت فلسطین است. با وجود جمعیت و امکانات محدود، بیش از ۲۰ ماه است که در برابر پیشرفت های ماشین جنگی منطقه مقاومت کرده اند و علی رغم حمایت های گسترده، همچنان پایرجا هستند.

فلسطین امروز در افکار عمومی جهانی به مسأله ای فراملی، فرادینی، فراسرزمینی و حتی فرامذهبی تبدیل شده است و توانسته گفتمان مقاومت را جهانی کند؛ این دستاورد کوچکی نیست. افزون براین، ظرفیت های دیگر منطقه از جمله پاکستان، ترکیه و به ویژه ایران در حوزه های مختلف از جمله توان نظامی و نفوذ مردمی قابل توجه است. البته باید تأکید کنم که صرفاً احساسات و فطرت قافی نیست؛ کشورهای عربی که اخیراً در مواضع خود به حمایت از ایران نزدیک شده اند، اگر این احساس خطر را به کنش فعال تبدیل کنند، می توانند در برهم زدن معادلات فعلی نقش آفرینی مؤثری داشته باشند. نقش قوی ترین عامل در سست کردن اقتصاد آمریکا و بسیاری از کشورهای غربی در همین منطقه نفت خیز ریشه دارد. نکته مهم در این میان، پیوند و همکاری ظرفیت های منطقه ای است. در سال های گذشته، مقاومت موفق شد با ایجاد وحدت میدانی و هماهنگی میان بازیگران مختلف، سد محکمی در برابر پروژه های تجزیه ایجاد کند. به عنوان نمونه، سپهد قاسم سلیمانی را باید یکی از عناصر کلیدی در زمین گیر کردن پروژه های دانست که من از آن به عنوان «بولدورز تجزیه» یاد می کنم؛ این پروژه از جنوب سودان آغاز شد، به کردستان عراق رسید و سپس به حلب گسترش یافت.

همه این نقاط بر اساس طراحی دشمنان باید تجزیه می شدند، اما حاج قاسم با تمام ظرفیت خود، آن را متوقف کرد. اگر یک فرد بتواند با چنین قدرتی جلوی این روند را بگیرد، قطعاً هم افزایی قدرت های منطقه ای نیز می تواند همین مسیر را ادامه دهد.



آگهی مناقصه عمومی

شماره ۱۴۰۴/۴

نوبت دوم

بانک تجارت

بانک تجارت در نظر دارد نسبت به برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله ای با موضوع تأمین تجهیزات زیرساخت پروژه کلان داده خود اقدام نماید:

- مهلت دریافت (خرید) سند مناقصه از تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۷ تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۰ ساعت ۷ لغایت ۱۲ هر روز به غیر از پنجشنبه ها و روزهای تعطیل می باشد.
- مهلت تحویل (ارائه) پاکت های مناقصه از تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۷ تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۴ ساعت ۷ لغایت ۱۲ هر روز به غیر از پنجشنبه ها و روزهای تعطیل می باشد.
- مقانیان جهت دریافت سند مناقصه می بایست نسبت به واریز مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال (پنج میلیون ریال) صرفاً به حساب شماره ۱۸۵۴۸۸۷، به نام «کارمزد فروش اسناد مناقصه» در یکی از شعب بانک تجارت اقدام و اصل فیش واریز آن را هنگام دریافت (خرید) سند مناقصه تحویل نمایند. (لازم است مبلغ مذکور با مراجعه حضوری به یکی از شعب بانک تجارت به صورت نقدی واریز گردد. مبلغ مذکور غیر قابل برگشت است).
- تضمین شرکت در مناقصه معادل ۸۲,۵۶۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (هشتاد و دو میلیارد و پانصد و شصت میلیون ریال)، به صورت فیش واریزی صرفاً به حساب شماره ۱۸۳۰۸۲۱، به نام بستاکاران موقت سپرده شرکت در مناقصه (لازم است مبلغ مذکور با مراجعه به یکی از شعب بانک تجارت به صورت نقدی واریز گردد). با معادل آن ضمانتنامه بانکی بی قید و شرط (صرفاً صادره از بانک ها، به غیر از بانک تجارت و قابل تمدید یا هزینه شرکت) می باشد.
- بازگشایی پاکت الف شرکت کنندگان در مناقصه مذکور روز **دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۶** رأس ساعت ۹ صبح انجام خواهد شد و شرکت کنندگان می توانند هنگام بازگشایی پاکت الف در جلسه مربوطه شرکت نمایند.

بر این اساس نماینده متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت (خرید) سند مناقصه با در دست داشتن کارت شناسایی معتبر و معرفی نامه و مطابق با شرایط فوق الذکر به نشانی: تهران، خیابان آزادی، بین نواب و اسکندری، ساختمان معاونت مهندسی و پشتیبانی بانک تجارت، طبقه هفتم، اداره کارپرداز، دایره مناقصات و مزایدات مراجعه نمایند.

شماره تماس: ۶۶۹۲۳۲۷
نشانی سایت بانک: WWW.TEJARATBANK.IR

بانک تجارت-اداره کارپردازی



آگهی تمدید مناقصه عمومی

شماره ۱۴۰۴/۳

نوبت دوم

بانک تجارت

پیرو مناقصه عمومی دوم مرحله ای شماره ای ۱۴۰۴/۳ با موضوع تأمین، نصب و راه اندازی دو دستگاه تجهیز Oracle Database ApplianceX11-HA Servers (Dual Node) به آگاهی می رساند:

- مهلت دریافت (خرید) سند مناقصه و تحویل (ارائه) پاکت های مناقصه تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۲ از ساعت ۷ لغایت ۱۲ هر روز به غیر از پنجشنبه ها و روزهای تعطیل تمدید می گردد.
- مقانیان می کنند سند مناقصه را دریافت ننموده اند، جهت دریافت سند مناقصه می بایست نسبت به واریز مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال (پنج میلیون ریال) صرفاً به حساب شماره ۱۸۵۴۸۸۷، به نام «کارمزد فروش اسناد مناقصه» در یکی از شعب بانک تجارت اقدام و اصل فیش واریز آن را هنگام دریافت (خرید) سند مناقصه تحویل نمایند. (لازم است مبلغ مذکور با مراجعه حضوری به یکی از شعب بانک تجارت به صورت نقدی واریز گردد). با معادل آن ضمانتنامه بانکی بی قید و شرط (صرفاً صادره از بانک ها، به غیر از بانک تجارت و قابل تمدید یا هزینه شرکت) می باشد.
- بازگشایی پاکت الف شرکت کنندگان در مناقصه مذکور روز **دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۲** رأس ساعت ۹ صبح انجام خواهد شد و شرکت کنندگان می توانند هنگام بازگشایی پاکت الف در جلسه مربوطه شرکت نمایند.

بر این اساس نماینده متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت (خرید) سند مناقصه با در دست داشتن کارت شناسایی معتبر و معرفی نامه و مطابق با شرایط فوق الذکر به نشانی: تهران، خیابان آزادی، بین نواب و اسکندری، ساختمان معاونت مهندسی و پشتیبانی بانک تجارت، طبقه هفتم، اداره کارپرداز، دایره مناقصات و مزایدات مراجعه نمایند.

شماره تماس: ۶۶۹۲۳۲۷
نشانی سایت بانک: WWW.TEJARATBANK.IR

بانک تجارت-اداره کارپردازی